

رقابت سیاسی از منظر قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۸ تاریخ تأیید: ۹۵/۷/۱۵

محمد رضا کیانی*

چکیده

این پژوهش دنبال این است که رقابت سیاسی مطلوب از منظر قرآن کریم چه رقابتی است. برای رسیدن به جواب ابتدا می‌بایست اصول بایسته رقابت سیاسی از منظر قرآن کریم بحث شود و بعد آسیب‌های رقابت سیاسی از منظر قرآن کریم بحث شود و در نهایت رقابت سیاسی مطلوب از منظر قرآن کریم ارائه شود که مبتنی بر شاخصه‌هایی می‌باشد. رقابت سیاسی از منظر قرآن کریم رقابتی است که ثبات و آرامش سیاسی را به دنبال دارد، و هدفش تعالی و جامعه را به سمت بهشت سوق می‌دهد و دارای اصولی است که اگر کسانی معتقد به این اصول نباشد، اجازه ورود به عرصه رقابت سیاسی را نباید داده شود. من جمله عدالت، تقوای الهی، قانون‌پذیری و قانون‌مندی، شایسته‌سالاری و کارآمدی و اخلاق. این اصول باعث می‌شود که از آفات و آسیب‌های وارده در عرصه رقابت سیاسی بدور باشند که در قرآن کریم به مواردی اشاره شده است از جمله اتهام، فرافکنی، غیبت، خدعه و فریب، اهرم قرار دادن دین و استفاده ابزاری از دین برای کسب قدرت، حس برتری، قدرت‌طلبی و ... که در ادامه به آن اشاره شده است. که اگر این اصول و آسیب‌های رقابت سیاسی رعایت شود به رقابت سیاسی مطلوب و سالم و مثبت خواهد رسید رقابتی که مبتنی بر شاخصه‌هایی چون کسب رضای خدا، دعوت به خیر و خوبی و بهشت و فضیلت می‌باشد، که باعث تشکیل حکومت اسلامی و معرفی الگویی نمونه از اسلام در عرصه رقابت سیاسی را دنبال خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: قرآن، رقابت، سیاست، رقابت سیاسی.

طرح مساله

یکی از مسائل سیاسی که در همه دوران‌ها مطرح بوده، و سیاستمداران و جوامع را به خود مشغول داشته است، بحث رقابت سیاسی است. اگر چه پیرامون این قضیه تحقیقاتی و کتابهایی به رشته تحریر درآمده است، منتها اشکال اساسی آن این است که این پژوهش‌ها با رویکردی غیر دینی و سکولار انجام شده و راهکار ارائه داده است. که هدف در این رویکرد رسیدن به اهداف مادی صرف است. و رنگ و بویی از اسلام در آن دیده نمی‌شود. و به جای ایجاد فضای آرامش سیاسی در جامعه، تشتت و تشنج در جامعه را در پی دارد. این در حالی است که موثرترین شیوه‌های سالم سازی فعالیتها، سازوکارها و گسترش عدالت اجتماعی - سیاسی، در آموزه‌های اسلامی، به روشنی و فراوانی مطرح شده است، به طوری که با توجه به آن در برنامه ریزیهای سیاسی و نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی، به درستی می‌توان تمدن شکوهمند اسلامی را احیا و آسایش و آرامش سیاسی را در جامعه ایجاد کند. که در این صورت سعادت دنیوی و اخروی انسان را در پی خواهد داشت. و الگوی اسلامی را به جوامع بشری ارائه خواهد داد.

بر این اساس، که قرآن کریم کتابی جاودانه و دارای مرجئیت علمی است که برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها قابل استفاده است. و شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد. «تَبَيَّنُ كُلُّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) است. روشنگر همه چیز و همه امور است. شخصی، اجتماعی، سیاسی، کشورداری و همه چیزها در آن است. رقابت سیاسی از منظر قرآن کریم مورد پژوهش قرار می‌گیرد. بنابراین پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است که رقابت سیاسی مطلوب از دیدگاه قرآن کریم چیست؟

گفتار اول: چارچوب مفهومی

۱. مفهوم شناسی سیاست

۱.۱ مفهوم لغوی سیاست

«سیاست» واژه ای است عربی که از ریشه «ساس-یسوس» گرفته شده است. معانی آن در فرهنگ نامه های فارسی عبارتند از: «حکم راندن بر رعیت، اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن، ریاست کردن، حکومت، ریاست، پرداختن به امور مردم بر طبق مصالحشان، پاس داشتن ملک، عدالت و داوری، حکم داری، سزا و جزاء محافظت حدود ملک، نگهداری و حراست، امر و نهی، پرورش و پروراندن و اداره امور داخلی و خارجی کشور» (فرهنگ فارسی معین و لغت نامه دهخدا)

۲.۱ مفهوم اصطلاحی سیاست

۱-۲-۱- تعریف عام سیاست

سیاست به مفهوم عام، عبارت است از: «اداره و سرپرستی نظری و عملی مجموعه امر ارتباطی، فرهنگی و اقتصادی در جهت وصول به اهدافی که رشد اجتماعی را محقق می سازد.»

۱-۲-۲- تعریف خاص سیاست

سیاست در مفهوم خاص، عبارت است: «اداره و سرپرستی نظری و عملی مجموعه امور ارتباطی، در جهت وصول به اهدافی که رشد اجتماعی را محقق می سازد.»

این مفهوم از سیاست، بیشتر زمانی به کار گرفته می شود که سیاست به عنوان یک زیر مجموعه اصلی، از معنای عام سیاست، در کنار دو زیر مجموعه بزرگ دیگر، یعنی فرهنگ و اقتصاد قرار گیرد. (منتظری، ۱۳۸۸، ص ۱۱ تا ۲۱)

۳.۱ تعریف سیاست از منظر قرآن کریم

در قرآن کریم سیاست به معنای دین آمده است، البته نه در تمام جهات، چرا که دین معانی مختلفی دارد مانند: شریعت، انتقام، جزاء، اطاعت، خشوع و از جمله سیاست.

سیاست از منظر قرآن کریم سیاستی است که امام سجاد علیه السلام آن را بیان می کنند، حضرت می فرمایند: سیاست عبارت از آن است که حقوق خدا و حقوق زندگان و حقوق مردگان را مراعات کنی، اما حقوق خدا، عمل کردن به هر چیزی است که به آن فرمان داده و دوری گزیدن است از آنچه نهی کرده است، اما حقوق زندگان، انجام دادن کارهای واجبی است که نسبت به برادران بر عهده داری، و اینکه در خدمت کردن به مردم خود تاخیر روا مداری، و نسبت به ولی امر، تا وقتی که خالصانه به کار مردم می رسد، اخلاص کامل داشته باشی، و هرگاه از راه راست منحرف شد، تو رویش داد بکشی! و اما حقوق مردگان عبارت از این است که از کارهای نیک ایشان یاد کنی و از بدی های ایشان چشم ببوشی، که آنان را پروردگاری است که به حسابشان رسیدگی می کند. (حکیمی و دیگران، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۶۲۰)

در واقع تعریف سیاست که امام خمینی (ره) ارائه داده اند - «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان است، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاء است، دیگران این سیاست را نمی توانند اداره کنند. این مختص به انبیاء و اولیاء است.» (امام خمینی، ۱۳۷۲، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۸) - برگرفته از این نگاه قرآنی است.

۲. مفهوم شناسی رقابت

در لغت نامه دهخدا به معنای نگهبان، حارس، نگهبان بر هر چیزی، حافظ و نگهبان، پاسبان و مراقب: هو رقیب نفسه؛ یعنی انتقاد می‌کند از اعمال خود و راهی برای انتقاد مردم باقی نمی‌گذارد)، همان نگهبان است.

معانی دیگری نیز آورده شده که جالب توجه است: مواظب، مراقب، نگهبان و مراقب معشوق. معنی اخیر از دهخدا است، توضیح بیشتر داده شده است به این نحو که «چون دو کس بر یک نفر و یا یک چیز عاشق و مایل باشند، هر یک مر دیگری را رقیب خواهد بود»، «دو کس که بر یک معشوق عاشق باشند، هر یک مر دیگری را رقیب باشد، چرا که هر یکی از دیگری نگهبانی و حفاظت معشوق می‌کند»، «ستاره‌ای که چون طلوع کند، ستاره مقابل او فرو شود و همه منازل رقیب‌اند مر صاحب خود را»، «ستاره که چون او طالع شود مقابل او غروب کند»، «ستاره یا صورتی که فرو شود چون دیگری برآید چون ثریا که رقیب اکیلی است و بالعکس»، «رقیب ستاره‌ای است که غروب کند با طلوع دیگری مانند ثریا که رقیب آن اکیلی است و همین که ثریا موقع عشاء طلوع کرد، اکیلی غروب می‌کند و بر عکس، همین که اکیلی هنگام عشاء طلوع کرد، ثریا فرو شود»، «حریف، همسر، هم‌آورد»، «نام ملکی است بر دست راست که حسنات و نیکوکاری‌ها را نویسد»، «گویا نام یکی از دو ملک که مواظب اعمال آدمی باشند و نیک و بد عمل نویسند»، در اشاره آیه شریفه «ما یلفظ من قول الا لدیه و قیب عتید»، «رقیب دست چپ: فرشته موکل بر اعمال بد شخصی»، و «رقیب دست راست: فرشته‌ی موکل بر اعمال نیک شخصی».

در فرهنگ فارسی عمید علاوه بر معانی فوق، تنها دو واژه چشم داشتن بر چیزی و هم چشمی به این مجموعه اضافه شده است.

از میان معانی ذکر شده سه نکته اساسی به دست می‌آید:

اول اینکه دو عبارت «چون دو کس بر یک نفر و یا یک چیز عاشق و مایل باشند، هر یک مر دیگری را رقیب خواهد بود» و «دو کس که بر یک معشوق عاشق باشند، هر یک مر دیگری را رقیب باشد، چرا که هر یکی از دیگری نگرهبانی و حفاظت معشوق می‌کند»، بیانگر چیزی هستند که موضوع رقابت واقع می‌گردد، در عبارت دهخدا موضوع رقابت، معشوق است و در علم سیاست امروزی عشق به قدرت، سمت‌ها و مناصب سیاسی معشوقی است که دهخدا نظیر آورده است .

دوم اینکه عبارت‌های «ستاره‌ای که چون طلوع کند، ستاره مقابل او فرو شود و همه منازل رقیب‌اند مر صاحب خود را»، «ستاره که چون او طالع شود مقابل او غروب کند»، «ستاره یا صورتی که فرو شود چون دیگری برآید چون ثریا که رقیب اکیلی است و بالعکس»، حاکی از نتیجه نهایی رقابت است که پس از انجام یکی از دو رقیب به موضوع رقابت دست می‌یابد و دیگری از صحنه خارج می‌شود. این ساده و خالص‌ترین نوع رقابت است که در عالم گفتار می‌توان نشان داد

سوم اینکه عبارت‌هایی چون مواظب، نگهبان یا «نام ملکی است بر دست راست که حسنات و نیکوکاری‌ها را نویسد»، «گویا نام یکی از دو ملک که مواظب اعمال آدمی باشند و نیک و بد عمل نویسند»، که حاکی از درون مایه‌ی مراقبت دائمی است، به نوعی نمایانگر کنش‌ها و واکنش‌های رقبا نسبت به یکدیگر است که در طول مدت رقابت چشم و هم چشمی اتفاق می‌افتد .

۳. مفهوم شناسی رقابت سیاسی

رقابت سیاسی را نوع فعال مشارکت سیاسی می‌دانند و مشارکت فعال به این معنا است که فرد در جامعه تلاش می‌کند تا بر اصلاح و یا حداقل تصمیم و جهت نظام حکومتی تأثیرگذار باشد. بر خلاف مشارکت انفعالی که فرد در جامعه مواضع بی طرفانه

دارد و اصولاً براساس نیازها و تقاضاهای حکومت حرکت می‌کند و یا صرفاً در جهت حمایت دولت گام برمی‌دارد و هیچ نقشی در سیاست‌گذاری‌ها ندارد.

۴. رقابت سیاسی از منظر قرآن کریم

رقابت سیاسی از منظر قرآن کریم به دو معنای ارزشی و ضد ارزشی تعریف می‌شود. رقابت ضد ارزشی عبارت است از رقابت قدرت محورانه برای ربودن قدرت از دیگران در نظام الهی. و رقابت ارزشی عبارت است از رقابت به معنای خدمت بهتر به مکتب و مردم است.

توضیح بیشتر اینکه رقابت سیاسی از منظر قرآن کریم، رقابتی است که حقوق خدا و حقوق مردم و جامعه و حقوق رقبا در آن رعایت شود، به نحوی که اولاً: در عین رقابت باید دقت کرد که از آنچه خدا نهی کرده است دوری گزید. و ثانیاً: هدف از رقابت، خدمت کردن به مردم باشد نه کسب قدرت و ثالثاً: به راه مستقیم هدایت کردن جامعه و از منحرفین در این زمینه جلوگیری کردن است. و رابعاً: حفظ شخصیت رقیب سالم از منظر عقیده و دین، به این که کارهای نیک و درست او را ببیند نه اینکه به خاطر کسب منصب و جایگاه به بیان و افشاگری کارهای نادرست رقیب بپردازد. و خامساً: اگر نسبت به رقیب شناخت کامل داشته باشد و یقین و حتی گمان به انجام بهتر مسولیت را در او دید، رقابت با او را کنار بگذارد و خود نیز از او حمایت کند.

گفتار دوم: اصول حاکم بر رقابت سیاسی از منظر قرآن کریم

اصل اول: رعایت تقوای الهی در رقابت سیاسی

هدف اصلی در نظام سیاسی اسلام به خصوص در عرصه رقابت سیاسی توسعه‌ی بستر تقرب الهی است که تنها انسان به عنوان جزئی از نظام هستی و اشرف مخلوقات،

مسیر از او (انالله) و به سوی او (الیه راجعون) را طی می‌کند و منزلگاه نهایی اش، باریافتن در جوار قرب الهی خواهد بود.

در جامعه اسلامی، همه چیز در خدمت تعالی انسان قرار می‌گیرد. این تعالی با تقرب به خداوند حاصل می‌شود و حکومت نیز زمینه ساز این تقرب تعالی بخش است.

البته تحقق این مهم به این معنا نیست که اختیار و آزادی انسان‌ها سلب می‌شود و جبر و زور حکومتی همگان را به سمت و سوئی معین می‌کشد که اساسا در این صورت قربی حاصل نمی‌شود؛ زیرا تقرب در انسان و پذیرش اختیاری قرب بیش از آنکه جسمی و فکری باشد، روحی است. نزدیکی با دوستی حاصل می‌شود و این رفتاری قلبی و پیرو اراده و اختیار انسان است؛ بنابراین حکومت دینی با گسترش ساز و کارها و شرایط انتخاب مطلوب و تضییق و محدود سازی زمینه های آلوده ساز، بستر اراده ی خیر و انتخاب شایسته را که منجر به تقرب به خداوند می‌شود، توسعه می‌بخشد.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: «هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی الله المصیر) تا زمینه ی بروز و شکوفایی استعدادها، به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان، فراهم آید». (منتظری، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲-۱۷۰)

لذاست که زیباترین و جالب‌ترین حالات انسان، اطاعت فرمان خالق و خودداری از نافرمانی اوست. مسلمان حقیقی کسی است که هم توحید در عبادت را رعایت کند و هم توحید در اطاعت را.

لذاست که اگر رقبا سیاسی با اعتقاد راسخ و قلبی به توحید و تقوای الهی و اصل را خدا دیدن وارد صحنه رقابت بشوند، قطعاً این رقابت، رقابتی خواهد بود سالم و مفید و اثر گذار و کاربردی. که اگر به سرانجام برسد و به مقامی برسد، رنگ و بوی الهی خواهد داشت.

اصل دوم: رعایت و توجه به اصالت خدمت در رقابت سیاسی

در اسلام، قدرت و حکومت مقصد نهایی نیست بلکه ابزاری است؛ جهت تحقق هدف های والا و اصیل که در صفحات پیشین بدان اشاره گردید. امام می فرماید: «عهد دار شدن حکومت فی حد ذاته شان و مقامی نیست؛ بلکه وسیله ی اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه است... ائمه و فقهای عادل موظفند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند. صرف حکومت برای آنان جز رنج و زحمت چیزی ندارد- خمینی، ولایت فقیه، ۷۰»

ایشان حتی نسبت به انبیا نیز مطلب را گسترش داده و قائلند که: «انبیا خودشان را خدمتگزار می دانستند نه اینکه یک نبی ای که خیال کند، حکومت دارد به مردم حکومت در کار نبوده، اولیای بزرگ خدا، انبیای بزرگ، همین احساس را داشتند، که اینها آمدند برای اینکه مردم را هدایت کنند، ارشاد کنند، خدمت کنند به آنها- خمینی - صحیفه نور - ۲۱۷».

در تعابیر فوق حکومت و قدرت با جهت گیری اصلاح و خدمت رسانی به بشریت مد نظر انبیا و اولیای الهی است، نه برای ارضای حس خودخواهی و خود پرستی و قدرت طلبی، چرا که در نزد اولیا خداوند فرمان راندن بر مردم در چند روزه ی دنیا، اگر منشا اثر و خدمت خدا پسندانه ای نباشد از بی ارزشترین امور است. «عبدالله بن عباس می گوید در «ذی قار» - موضعی نزدیک بصره - در حالی به حضور امیرالمومنین علیه السلام رسیدم که مشغول وصله کردن کفش خود بود، فرمود: ارزش این لنگه کفش چقدر است؟ عرض کردم بی ارزش است و نمی توان بر روی آن قیمت گذاشت. فرمود: به خدا سوگند این کفش نزد من از امارت و حکومت بر شما محبوب تر است، مگر آن که حقی را اقامه نموده یا باطلی را براندازم - نهج البلاغه - خطبه ۳۳: ۱۰۲»

لذاست که اگر انسان در این عرصه وارد می‌شود، با هدف و نیت تعالی خدمت کردن به مردم می‌بایست وارد شود، در این صورت رقابت، با این رویکرد رقابتی مثبت خواهد بود چرا که هدف و اصل و محور خدمت کردن و خدمت رساندن به مردم است.

اصل سوم: رعایت و توجه به شایسته سالاری در رقابت سیاسی

در یک جامعه و نظام سالم، کسانی می‌توانند عهده دار مسئولیت‌های اجتماعی و سرپرستی امور شوند که صلاحیت و شایستگی لازم برای تصدی آن مسئولیت را دارا باشند. قرآن کریم از زبان دختر شعیب، عبارتی نقل می‌فرماید که می‌توان از آن لزوم شایستگی و صلاحیت برای احراز هر مسئولیت را استفاده نمود: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ - قصص / ۲۶» یکی از آن دو گفت: ای پدر، او را استخدام کن زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی کسی است که توانمند و امین باشد. چنانکه در قصه ی طالوت آمده است.

بنابراین شایسته سالاری یا رعایت صلاحیت و اهلیت در تصدی مناصب حکومتی یک اصل عقل است و هر جامعه ای که به دنبال تامین خوشبختی و سعادت باشد از این قاعده پیروی می‌کند. آموزه های دیگر دینی نیز سرشار از تاکید این اصل بوده و سپردن امور به اهلس را توصیه نموده. (منتظری، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲-۱۷۰) (امام صادق علیه السلام فرمود: «مواظب جانهای خود باشید، به خدا سوگند اگر صاحب گوسفندان چوپان دیگری را سراغ داشته باشد که از چوپان فعلی بر نگهداری گوسفندان داناتر باشد چوپان اول را اخراج و دومی را برای مراقبت از گوسفندان خود به کار می‌گیرد- حر عاملی، وسایل الشیعه، ۱۱: ۳۵» و از قرار دادن ناهلان بر مصادر امور، رسول خدا صل الله علیه وآله وسلم فرمود: «کسی که خود را بر جمعی از مسلمانان مقدم بدارد و بداند که در بین آنان کسی که برتر از او باشد، وجود دارد بدون شک به خدا و پیامبرش و مسلمانان خیانت کرده است- (امینی- الغدير- ۸: ۳۹۱)

اصل چهارم: رعایت قانون پذیری و قانون مندی و قانونمندی در رقابت سیاسی

بشر امروزی به این نتیجه رسیده است که سامان جامعه، در گرو وجود ضابطه‌ای است تا حاکم و محکوم، برای تبیین صحت یا خطای عملکرد خود بدان تمسک کنند. چه آن که می‌خواهد دیگری را محکوم سازد و چه آن که به دنبال اثبات بی‌گناهی خویش است، هر دو نیازمند اسناد مدعای خود به سندی متفق علیه می‌باشند و قانون همان سند متفق علیه اجتماعی است که زیر بنای شکل‌گیری جامعه متمدن می‌باشد.

قانون‌پذیری و قانون‌مندی، از مشخصه‌های جامعه مقبول دین اسلام می‌باشد و حجم کثیری از آیات قرآن کریم، پس از تبیین قوانین فردی و اجتماعی مورد قبول اسلام، به تاکید بر لزوم التزام عملی نسبت به آنها اختصاص یافته است. در سیره رسول اکرم صلوات الله علیه وآله و فرامین حکومتی امیرالمومنین علیه السلام، نیز قانون‌گرایی در اعمال والی به نحو چشم‌گیری به چشم می‌خورد. (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱-۱۶۹)

در قرآن کریم احترام به قوانین اجتماعی، از اوصاف برگزیده و برجسته مومنان حقیقی دانسته شده است:

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. توبه / ۱۱۱-۱۱۲»

لذا یکی از اصول و شاخصه‌های ورود به رقابت سیاسی، پایبندی به قانون می‌باشد، که اگر غیر این باشد اصلاً اجازه ورود به این عرصه را ندارد و نیابستی اجازه ورود به این عرصه به او داده شود. که در غیر این صورت منجر به آسیب‌هایی در این زمینه خواهد شد.

اصل پنجم: رعایت آزادی و آزادی در رقابت سیاسی

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ فصلت، آیه ۳۳ و کیست خوشگفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید: «من [در برابر خدا] از تسلیم شدگانم»؟

آزادی و آزادی

نگاه اسلام به آزادی، نگاهی فراگیر و همه جانبه است. در حالی که مکاتب سیاسی و حقوقی جهان معاصر که داعیه آزادی دارند تنها به آزادی بیرونی انسان در زمینه روابط اجتماعی با هموعان خود و با دولت و حکومت پرداخته‌اند، اسلام علاوه بر آن که این بخش از آزادی را با توجه تمام مورد عنایت خود قرار داده، از بعد دیگر آزادی که در سرنوشت مادی و معنوی او بسیار تعیین کننده است نیز، غفلت نکرده است.

در بخش آزادی بیرونی، اسلام پیام آور راستین آزادی است. در تعالیم دینی ارزش والای انسان مورد توجه قرار گرفته و نفی بندگی و سلطه پذیری انسان از انسان اعلام گردیده است:

لا تكن عبدًا غيرك و قد جعلك الله حراً (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

بنده دیگری مباش، خدا تو را آزاد آفریده است.

در بخش آزادی درونی، اسلام کرامت و ارزش والای انسانی را در بندگی خالصانه خدا و آزادی از هوس‌ها و اسارت‌های نفسانی می‌داند. این همان حقیقت آزادی است که متأسفانه دموکراسی غربی از آن بی بهره است.

اسلام بسیاری از انسان‌های به ظاهر آزاد را برده می‌داند؛ بردگانی که اسیر نفس خویش گردیده و طعم شیرین آزادی واقعی را که در پرتو بندگی حاصل می‌گردد نچشیده‌اند:

كَمْ مِنْ عَقْلٍ اسِيرٍ تَحْتَ هَوَىِّ امِيرٍ (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱)

چه بسیار عقل‌هایی که اسیر نفس امیر گشته‌اند.

در مکاتب الهی، انسان‌ها آن‌گاه که قفس تن را می‌شکنند و در فضای بی‌انتهای عبودیت به پرواز در می‌آیند، آزادگان واقعی خواهند بود.

بنابراین، اصل آزادی از ضروریات دین اسلام است، زیرا اصل مسوولیت و تکلیف به عنوان اجزای ضروری تعالیم دینی مبتنی بر قدرت، آزادی و اختیار انسان می‌باشد.

رقابت سیاسی با آزادی (آزادی اندیشه سیاسی، آزادی رفتار سیاسی و آزادی انتخابات) ارتباط جدی و غیر قابل انفکاک دارد، به گونه‌ای که وجود رقابت سیاسی بدون آزادی سیاسی غیر ممکن خواهد بود. در نظام سیاسی توتالیتر و استبدادی به دلیل این که آزادی سیاسی در حوزه‌های یاد شده وجود ندارد بحث از رقابت سیاسی موضوعیت نخواهد داشت. اصولاً رقابت مفهومی است که با تنوع آرا، تکثر رفتار و معیارهای متفاوت انتخاب در حوزه سیاسی معنا می‌یابد.

بنابراین، رقابت در جامعه یک دست و تک صدا که جز صدای حاکم رسمی صدای دیگری وجود ندارد، تحقق پیدا نمی‌کند. رقابت سیاسی همواره مستلزم چند سویه بودن قدرت سیاسی و چند مرکزی بودن آن است. از این رو، اگر در جامعه‌ای محدودیت‌های قانونی به گونه‌ای باشد که جز مسیر واحد و خاصی جلوی افراد وجود نداشته باشد، افراد جز گام نهادن در همان مسیر مشخص چاره‌ای ندارند. در چنین حالتی نوعی حرکت جبری در جامعه وجود دارد که راه هر گونه انتخاب را با انسداد مواجه می‌سازد. آیا فرهنگ اسلامی در حوزه سیاست و اجتماع راه مشخصی را برای شهروندان بر می‌گزیند یا این که افراد در جامعه اسلامی از آزادی عمل، اندیشه و انتخاب سیاسی برخوردارند و برای ارائه مناسب‌ترین و کارآمدترین الگو در حوزه عمل، اندیشه و انتخاب سیاسی می‌توانند با هم به رقابت سیاسی بپردازند؟

آزادی اندیشه و بیان نقطه عزیمت شکل گیری رقابت سیاسی در جامعه است، زیرا این آزادی به ظهور اندیشه‌های متفاوت اجازه داده، سبب روند مشارکت سازی در جامعه می‌شود و آزادی سیاسی از طرف دیگر زمینه‌های حضور موثر افراد را در عرصه عمل سیاسی فراهم نموده، به تشکلات سیاسی فرصت می‌دهد. (سجادی، ۱۳۸۲، میانی تحزب، ص ۱۰۷-۱۰۸)

اصل ششم: رعایت عدالت در رقابت سیاسی

در مباحث اجتماعی اسلام روی هیچ اصلی به اندازه عدالت تکیه نشده است. (مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۳۰۱)

قرآن کریم، در آیات فراوانی به عدالت ورزی و قسط محوری، هم در ساحت امور فردی و هم در ساحت امور اجتماعی امر می‌کند:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء، آیه ۵۸)

عدالت ورزیدن در حکم و حکومت، به معنای تساوی افراد جامعه برابر قوانین و مقررات و نیز تساوی در برخورداری ابتدایی از امکانات اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی است، نه تساوی در رفاه معیشتی و تساوی در اموال. در حقیقت حکم عادلانه و حکومت عدالت محور، همانا حکم و حکومت حق مدار می‌باشد؛ و این همان است که خدای سبحان و داوود پیامبر دستور می‌دهد: ای داوود ما تو را در زمین خلیفه و جانشین گردانیدیم. پس میان مردم به حق داوری کن.

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص، آیه ۲۶)

اصل هفتم: اصل کارآمدی در رقابت سیاسی

در اندیشه اسلامی و علوی یکی از ملاک‌های مهم مشروعیت مدیریت و حکومت، کارآمدی مدیر و زمامداران است. از این منظر مدیری شایستگی مدیریت دارد که توان سامان دهی امور مردم را داشته باشد. مومن به صرف این که شهروند خوبی است، نمی‌تواند سکان مدیریت را بر عهده بگیرد، بلکه باید کاردان نیز باشد. به همین جهت در نهج البلاغه یکی از شروط مبنایی مدیریت، کفایت و کاردانی معرفی شده است. از این دیدگاه، شخص ناکارآمد، ناصالح، ناکاردان و بی کفایت، فاقد مشروعیت امر دهی است و اوامر او فاقد الزام آوری و وجوب اطاعت است. بنابراین بخش مهمی از مشروعیت را باید در کارآمدی جست و جو کرد. از این رو مدیری مشروعیت دارد که در حوزه تمثیت امور مردم، با کفایت‌تر و کاردان‌تر باشد. (گروهی از نویسندگان، ص ۱۵۶-۱۵۸)

امام علی علیه السلام بحث ضرورت لیاقت و کاردانی و اصلحیت را از خود آغاز نموده و در نهج البلاغه به ادله فراوان به اثبات سزاواری خویش بر حکومت می‌پردازند. حضرت در شورای شش نفری پس از انتخاب خلیفه سوم می‌فرماید:

شما خود می‌دانید من از همه برای خلافت شایسته ترم. به خدا سوگند تا وقتی کار مسلمانان روبه راه باشد و تنها بر من جور و جفا شده باشد، مخالفتی نخواهم کرد. (نهج البلاغه - خطبه ۷۳ - ص ۱۷۱-۱۷۲)

لذا یکی از اصول در عرصه رقابت سیاسی، کارآمدی و شایسته سالاری است به نحوی که اگر دارای این اصل نباشد و ورود در این میدان کند، خیانت به اسلام و جامعه اسلامی کرده است.

اصل هشتم: رعایت اخلاق در رقابت سیاسی

اخلاق انتخاباتی به عنوان یکی از مسائل مهم، همواره از سوی رهبران دینی و سیاسی مورد تاکید و اهتمام قرار گرفته است؛ زیرا شرایط انتخاباتی، بستر مناسبی برای اتهامات، افترا، شایعه پراکنی مطالبات غیرواقعی و امور ضداخلاقی و ضدهنجاری دیگر است. حتی اگر رقیبان، اصول اخلاقی را مراعات نمایند، هواداران و پیروان آنها، بعضاً هنجارشکنی می کنند.

اخلاق، ترازوی رفتار

اگر بخواهیم رفتار کسی را ارزیابی کرده و به او نمره مثبت و منفی و یا قبولی و ردی بدهیم می بایست به اصول اخلاقی به عنوان معیار و ملاک دآوری توجه کنیم. هرچند که واژه خلق و خوی به معنای سرشت (لسان العرب و العین) است و اخلاق را به خصلت هایی اطلاق می کنند که با دیده بصیرت درک می شود (مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی ذیل واژه) ولی بی گمان مراد از اخلاق، ترازویی است که بدان رفتار، اعمال و حتی اندیشه‌ها و پندارهای خوب و بد انسان سنجیده می شود. (دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۴۴)

اسلام و قرآن به عنوان این که مأموریت اصلی خود را اتمام و اکمال اخلاق می داند و از هرگونه عمل ضداخلاقی به ویژه در حوزه امور اجتماعی و سیاسی برحذر می دارد و به عنوان گناه و گاه جرم برای آن مجازات دنیوی و اخروی قرار داده است.

نتیجه

از منظر قرآن کریم، رقبای سیاسی می بایست با این اصول آشنا بوده و با این آگاهی وارد عرصه رقابت گردند، که در این صورت سعادت‌مند خواهند بود و در غیر این صورت به گمراهی و بی راهه خواهند رفت.

گفتار سوم: آسیب شناسی رقابت سیاسی از منظر قرآن کریم

رقابت سیاسی خود به ذاته مطلوب است چرا که اگر رقابت نباشد و یا رقابت باشد و رقابتی سالم و مطلوب نباشد، نتیجه اش تشکیل حکومت جاهلی است، چرا که در این صورت حکومت فردی می شود که به هر نام و به هر شکلی باشد، جاهلی است و منتهی به استبداد و دیکتاتوری می شود.

دیکتاتوری هم نتیجه ای جز خفقان و کشته شدن استعدادها و پرورنده نشدن شخصیتها ندارد و این ظلم است و حکومتی که در آن عنصر ظلم وجود داشته باشد، بدترین حکومتها است و قابل دوام نیست. در قرآن کریم نمونه هایی از این حکومتها وجود دارد مثل حکومت فرعون.

لذاست که ویژگی و بایسته بودن رقابت سیاسی معلوم و مطرح می شود. (بهشتی،

ص ۱۷)

۱- نداشتن نیروی علمی و جسمی و تکیه بر مال و ثروت

«وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۴۷)

بطوری که از دقت در این آیه استفاده می شود هیچ لازم نیست که زمامدار یک پیامبر باشد، بلکه لازم است شخصیتی آگاه و نیرومند باشد که بتواند ضمن اتخاذ یک سیاست مثبت و صحیح، مجری قوانین خدا و تحت رهبری فرستادگان خدا انجام وظیفه کند. (بهشتی، ۱۳۶۰، ص ۳۳)

۲- حب جاه و مقام

گفته اند: «آخر ما يخرج من قلوب الصديقين حب الجاه»

آخرین چیزی که از دل‌های مردم صدیق، رخت بر می‌بندد حب جاه است.

خطر ناکترین دام، برای انسان، همین است. مردمی هستند که از جان و مال و همسر و فرزند و خوراک می‌گذرانند که به جاه و مقام برسند. گذشتن از همه تمایلات آسان است و گذشتن از میل به مقام، بسی دشوار است.

انسان بر کرسی جاه و مقام، آنچنان غرق در لذت می‌شود که همه چیز را از یاد می‌برد و پشت پا به همه مقدسات عالم می‌زند و همه حقوق را زیر پا می‌گذارد. مگر اینکه عقل ایدئولوژیک را بر زندگی خود حاکم کرده باشد و خداوند بزرگ را ناظر اعمال و نیات خود بداند. (بهشتی، ۱۳۶۰، ص ۱۰۸)

۳- قدرت طلبی

به عقیده علامه جعفری، قدرت عامل هرگونه تحرک و فعالیت در جهان هستی است، اما باید به آن جهت داد تا بزرگترین عامل «گرویدن» انسان گردد. از نظر وی خطرناک‌ترین چهره انسان که با تملک قدرت خود را هدف، و دیگران را وسیله قرار می‌دهد، احساس بی‌نیازی مطلق از همه روابط طبیعی و انسانی و پیدایش احساسی به نام بی‌نیازی از قانون و تکلیف حق است. اگر قدرت از چنین حالتی خارج شود عامل ایجاد حرکت و دگرگونی‌های سازنده در دو قلمرو انسان و جهان می‌شود. (جعفری، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۱۵)

۴- احساس برتری و گرایش‌های زیاده خواهی:

احساس برتری بر دیگران که شخص را تحریک می‌کند تا به این دلیل در عرصه رقابت سیاسی گام نهد برای بدست آوردن مقام مدیریت، خواه چنین احساس مطابق با واقع باشد یا نباشد.

۵- طعنه زدن

طعنه یعنی نیش زدن. یعنی برخورد مستقیم را کنار گذاشتن و غیر مستقیم برخورد کردن با رقیب، به طرفش نیش می‌زند و انتقال تلخ احساس را برای او می‌خواهد، تا تلخی اش را هم حس کند.

طعنه که صورت تلطیف یافته اش در طنز می‌آید، گاهی این طعن و طنز، مخاطب را له می‌کند و او را آزار می‌دهد.

ما به خدا می‌گوییم: «واعف عن توبیخی بکرم وجهک - دعای ابوحمزه ثمالی»؛ خدایا من اگر بدی کردم نه تنها عذابم نکن، حتی توبیخم هم نکن، به خاطر کرامتی که در چهره تو و در رویایی تو با مجرمین هست، به خاطر این کرامت حتی از توبیخ من بگذر.

البته اگر در این طنز و طعنه عشق و نصیحت باشد به طوری که در مخاطب حساسیت و آگاهی مطلوب رقیب آمد قطعا این طعنه و طنز آزار دهنده نخواهد بود بلکه مطلوب خواهد بود. و آن طعنه‌ای مضر است که خالی از عشق و لطافت روحی باشد.

۶- عیبجویی

عیب جویی آن است که انسان می‌خواهد روی طرف مقابلش را کم کند و او را از میدان بیرون کند و سعی می‌کند تا عیب هایش را پیدا کند.

عیب جویی، رقیبان سیاسی از انتقام، از تثبیت خود و از نفی مخاطب ریشه می‌گیرد.

اینجاست که خداوند متعال در قرآن کریم آیه ۱۲ سوره حجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَلَّا يَجِبَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات، ۲۱۲)

۷- اشرافیت و تبعیض و شهوت و بدعت

با این اشرافیت و تبعیض سعی می‌کنند برد و خورد داشته باشند، و از طریق این اشرافیت و تبعیض و شهوت و بدعت و تطمیع و وعد و وعید، سعی می‌کنند همه چیز را به هم بریزند و مهره‌ها را کجا بگذارند و از کجا بردارند و چگونه دنیا را در دل‌ها و نظرها بزرگ کنند. (حائری، ۱۳۹۲، ۱۳۴)

و از این طریق سعی در پیروزی خود در قدرت بر می‌دارند.

در جایی که اشرافیت پای باز کند، نتیجه این می‌شود که سستی‌ها می‌آید و از اهداف چشم پوشی می‌شود و شکم بارگی و غرور شکل می‌گیرد. (حائری، ۱۳۹۲، ۱۷۸)

۸- اهرم قرار دادن دین و استفاده ابزاری از دین

معاویه گفت من به خاطر دین و نماز شما نیامده‌ام، من آمده‌ام تا بر شما حکومت کنم. و در این جریان، دین اهرم است، یعنی وسیله است و ابزار، کاری را پیش می‌برد نه پایه‌ای که بخواهد بر آن استوار شود و بماند. (حائری، ۱۳۹۲، ۱۷۸)

۹- عدم دخالت دادن توحید و معاد در عرصه رقابتی سیاسی اش با دیگر رقبا

چرا که توحید و معاد در انگیزه و اهداف و نوع رابطه و برنامه ریزی در عرصه رقابت سیاسی دخالت و تاثیر می‌گذارد. و باعث می‌شود که به الله و وحی محتاج باشد. و این اضطرار به وحی است که آدمی را در این کلاس می‌نشانند تا امر خودش را به او واگذارند. و این بدست آوردن قدرت و منصب و حکومت تنها نمی‌خواهد برای زندگی چند ساله اش برنامه ریزی کند و برایش آب و نان و از زندگی اش یک دامپروری بزرگ بسازد.

که در واقع برای ورود به عرصه رقابت حتی با احتمال معاد، برنامه ریزی متفاوتی را می‌طلبد. لذاست که فقط به علم و توانمندی‌های غریزی خودش کفایت نمی‌کند. (حائری،

۱۹۱)

۱۰- نداشتن روحیه انتقاد پذیری و نقد غیر منصفانه و نادرست

انتقاد، حرکتی است اصلاح گونه، با قصد پالایش و زنگزدایی و نجات حقیقت چیزی از نفوذ باطل در حریم آن و برگرداندن طبیعت شخص و یا امری از آمیختگی به ناخالصی و غش، به سوی خلوص و فطرت ناب آن.

۱۱- خدعه و فریب

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ إِلَّا أَنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لَكِن لَّا يَشْعُرُونَ». (بقره، ۸-۱۲۹)

یکی از آفات رقابت سیاسی عبارت است از دروغ پردازی، که می‌توان به داستان حضرت موسی و فرعون اشاره کرد که فرعون با دروغ پردازی مردم را فریب داده و مستوجب آن شد که طرفداران او حضرت موسی را تعقیب کنند و در صدد کشتن حضرت شوند که البته خود دچار خسران شدند هم خسران دنیوی و هم اخروی.

این نمونه و شاهد مثال است که در قرآن به آن اشاره شده است و مختص فرعون هم نبوده و خیلی از اشخاص برای برد و پیروزی و به دست آوردن قدرت به این خصلت فرعونی روی آورده و می‌آورند.

۱۲- اتهام زنی

از آن جایی که منصب در اسلام، مسئولیت و تکلیف است، تنها کسانی می‌توانند در این مقام و مسئولیت قرارگیرند که از همه نظر خود را شایسته بدانند، زیرا پذیرش مسئولیت‌ها به عنوان واجب کفایی مطرح می‌شود و تا زمانی که دیگرانی تواناتر و شایسته‌تر هستند، شخص نمی‌بایست خود را در منصب مسئولیت قرار دهد.

از سوی دیگر، در تفکر و بینش اسلامی، خداوند از دانشمندان و افراد شایسته جامعه تعهد گرفته است تا مسئولیت‌ها را بپذیرند و آن را در حد توان به درستی انجام دهند.

براین اساس کسانی که وارد صحنه انتخابات می شوند تا مسئولیتی را از سوی مردم بپذیرند می بایست به این نتیجه برسند که از شایستگی و توانایی لازم برخوردار می باشند و استطاعت عمل اصلاحی و خوب را دارند.

دراین صورت نیازی نیست که به تخریب و اتهام دیگری بپردازند، زیرا هرگونه اتهام دیگری، هم امری ضداخلاقی و هم جرم قانونی و هم گناه شرعی است که پیامدهای بدی برای افراد در دنیا و آخرت خواهد داشت.

کسانی که به تهمت و اتهام رو می آورند درحقیقت نشان می دهند که شایستگی ورود به این صحنه را ندارند و اصولا رفتارهای ایشان خود بهترین گواه و داور برای بی شایستگی آنهاست.

خداوند علل بسیاری از رفتارهای ضداخلاقی از جمله اتهام زدن به دیگران را در هواهای نفسانی و روحیه استکباری (ص آیه ۶۲ و یوسف آیه ۳۵ و آیات دیگر) غفلت از خداوند و ترک راه رشد و کمال (اعراف آیه ۱۴۶ و کهف آیه ۸۲)، نژادپرستی (اعراف آیه ۱۱ و ۲۱ و اسراء آیه ۱۶ و آیات دیگر) عجب و غرور و خودپسندی نسبت به خود (قصص آیه ۶۷ و ۸۷) می داند و از انسان می خواهد که با یاد خداوند، خود را از این بیماری های خطرناک برهاند.

۱۳- شایعه پراکنی

یکی از شیوه های ضداخلاقی که از سوی برخی به شدت مورد استفاده قرار می گیرد شایعه سازی و شایعه پراکنی است. شایعه، خبری است که در میان مردم پخش شده و مردم به عنوان یک خبر با آن برخورد می کنند و احتمال صدق در آن می دهند، ولی درستی و نادرستی آن معلوم نشده است.

شایعات به سبب آن که در بسیاری از موارد به حریم خصوصی وارد می شوند و اطلاعاتی را از این حوزه در اختیار دیگران می دهند مورد توجه قرار می گیرد و به سرعت گسترش می یابد.

قرآن، شایعه سازی و شایعه پراکنی را عامل بسیاری از نابهنجاری های اجتماعی از جمله سلب آرامش مردم و ایجاد اضطراب در جامعه برمی شمارد. (نساء آیه ۳۸)

در آیه ۱۴۴ سوره آل عمران، شایعه سازی و شایعه پراکنی را عامل شکست جامعه در برابر دشمن و نفوذ او به حریم امنیت آن می داند. بسیاری از شایعات سیاسی و اجتماعی به هدف تضعیف روحیات عمومی مردم و قرار دادن امت و جامعه در موضع انفعال، تولید و ترویج می شود.

هتک حرمت و حریم مردم و یا افراد از دیگر کاربردهای شایعه سازی است که از سوی شایعه سازان و شایعه پراکنان مورد توجه و اهتمام است. (نور آیه ۹۱)

بنابراین می توان گفت که شایعه سازی و شایعه پراکنی با اهداف و انگیزه های مختلف انجام می گیرد ولی نتیجه همه آنها چیزی جز فروپاشی اخلاقی جامعه و از میان بردن امنیت روحی و روانی شخص و یا جامعه نیست.

گفتار چهارم: رقابت سیاسی مطلوب از منظر قرآن کریم

رقابت سیاسی مطلوب از منظر قرآن کریم دارای شاخصه هایی است که اگر رقبا این شاخصه ها را ملاک قرار دهند، رقابتی مطلوب و سالم و ارزشی را در پی خواهد داشت

شاخصه های رقابت سیاسی مطلوب از منظر قرآن کریم

۱- در مسیر «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» قرار گیرد.

از نظر اسلام کسب قدرت و موقعیت به طور ذاتی نه تنها ارزشی ندارد بلکه مذموم شمرده شده است و در قرآن به جای این مسئله بر «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» تأکید شده است.

از نظر اسلام و قرآن، کسب قدرت و موقعیت به طور ذاتی نه تنها ارزشی ندارد بلکه مذموم شمرده شده است و در قرآن به جای این مسئله بر «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» تأکید شده است؛ زیرا آنچه که در اسلام ارزش دارد خدمت به مردم در راستای کمک به نظام اسلامی و نزدیکی به پروردگار است و کسب قدرت نیز از این زاویه ارزش پیدا می‌کند. (غروی، خبرگزاری بین‌المللی قرآن)

۲- در مسیر فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ قرار گیرد.

بدین نحو که رقابت یا کوشش برای همانند شدن با مردمان با فضیلت و پیوستن به آنهاست بدون اینکه به دیگری زبانی برسانند. و به خاطر کسب قدرت به هر کاری و هر نقشه نیرنگی دست بزنند. لذاست که رقابت سیاسی مطلوب و الگو معرفی شده از منظر قرآن کریم رقابتی است که بر پایه فضیلت و پابندی رقبا سیاسی بر این فضیلت است که خود را با مردم مساوی بداند و به سمت بهشت سوق بدهند و راهنمایی کنند. و اینطور نباشد که به خاطر ورود در عرصه رقابت سیاسی، خود را در معرض کسب قدرت قرار دهد. یعنی نیت از رقابت، کسب قدرت باشد برای پیش برد اهدافش.

۳- در مسیر إِنْ أَلَّكَ اللَّهُ كَانَتْ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا قَرَار بگیری.

بدین نحو که از منظر قرآن رقبا می‌بایست در عرصه رقابت سیاسی، محافظ اعمال و کردار خودشان در عرصه رقابت باشند و اگر در این زمینه به راه خطا بروند، حافظ رقیب باشند و او را در مسیر درست سوق بدهند.

۴- در مسیر إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ قرار بگیری.

یکی از شاخصه‌های مهم رقابت سیاسی مطلوب از منظر قرآن کریم، تقوای سیاسی است، به این نحو که هدف، متعالی و الهی است و این که خوددیت و منیت در اینجا راه

وجود ندارد و رقابت کردن نه به خاطر کسب قدرت و خود را نشان دادن است بلکه برای اسلام و حفظ نظام اسلامی است.

یکی از نتایج مهمی که این شاخصه‌ها دارند، عبارت است از تشکیل حکومت اسلامی.

لذا در این زمینه هم مردم و هم کاندیداها وظیفه خاص خود را دارند. نامزدها باید به خاطر خدا و خدمت به مردم در صحنه ورود پیدا کنند نه اینکه برای برنده شدن وارد عرصه انتخابات شوند چرا که در اسلام برنده شدن در کسب قدرت جایگاهی ندارد.

از آن سو هم مردم وظیفه دارند در میان افراد صالح، فرد اصلح را براساس همان شاخص‌های ذکر شده انتخاب کنند و این وظیفه دینی و شرعی آنهاست. زیرا در اسلام حق و تکلیف متناظر با هم است و اگر مردم حق دارند که سرنوشت خود را تعیین کنند در عین حال مکلفند که بهترین و شایسته‌ترین افراد را برگزینند تا نتیجه تعیین سرنوشت آنها رشد و پیشرفت جامعه اسلامی باشد.

مصادیق کامل الگوی رقابت سیاسی معرفی شده از منظر قرآن کریم کسانی هستند که بر این سه شاخصه قرآنی استوار باشند بدین نحو که رقابت آنها در مسیر خیرات، فضیلت‌ها و محافظت‌ها باشد، که در واقع نتیجه اش قرب و رضای الهی و حفظ اسلام می‌باشد. و رقابت سیاسی مطلوب از منظر قرآن کریم را در پی دارد.

نمونه بارز آن حضرت علی علیه السلام هست که با آنکه حق خلافت الهی داشت ولی به خاطر حفظ اسلام و نظام با رقبا که در واقع حقی برای رقابت نداشتند، روی به تقوای الهی آورد و به طرف قدرت نرفت چرا، برای اینکه کمترین ضرری متوجه اسلام و مسلمین نشود، به طوری که خود حضرت از چند سالی که حق حضرت گرفته شده بود به عنوان وزارت نام می‌برند.

لذاست که علی علیه السلام در قرآن کریم به عنوان انسان کامل و الگویی نمونه در عرصه رقابت سیاسی مطرح می‌شود.

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (توبه ۱۱۲، ۱۱۱)

در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به عنوان وعده حقیقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست. و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است. [آن مؤمنان،] همان توبه‌کنندگان، پرستندگان، سپاسگزاران، روزه‌داران، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خداوند. و مؤمنان را بشارت ده.

مطلوب چنین رقابتی این نیست که به سمت بهشت سوق داده شوند، مطلوب این است که انسانها با انتخابشان به جایی برسند؛ حضرت علی علیه السلام با این که می‌تواند معاویه را با سه یا چهار نفر نابود کند، ولی این کار را نمی‌کند. او در حالی که می‌تواند سایر رقیب‌ها را از میدان به در کند، ولی نمی‌کند.^۱

۱. کتاب مشکلات حکومت دینی - صفایی حائری ص ۱۱۳

نتیجه گیری

با توجه به اصول حاکم بر رقابت سیاسی و آسیب‌های موجود در عرصه رقابت سیاسی، نتیجه گیری می‌شود که رقابت سیاسی مطلوب و الگوی رقابت سیاسی از منظر قرآن کریم رقابتی است که محور و هدف آن کسب مقام و موقعیت و قدرت نیست بلکه هدف کسب رضای خدا و رسیدن به سعادت و گام نهادن به سمت کمال است و رقابتی مبتنی بر اخلاق و تقوای سیاسی است که در این صورت این گونه رقابت سازنده و مثبت و رقابت مطلوب و الگو از منظر قرآن کریم است، که نتیجه آن این است که انسانها را هدایت و سوق می‌دهد به سمت خیر و خوبی و صراط مستقیم و کمال و سعادت دنیوی و اخروی، و تشکیل حکومت الهی.

فهرست منابع

۱. آراسته، حسین جوان، مبانی حکومت اسلامی، بوستان کتاب، ۱۳۹۲
۲. بهشتی احمد، حکومت در قرآن، دفتر نشر پیام: طریق القدس، ۱۳۶۰
۳. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱
۴. جمعی از نویسندگان، حکومت علوی، حکومت کارگزاران، ناشر دبیرخانه مجلس خبرگان
۵. حکیمی، محمد رضا و دیگران، الحیاه، دلیل ما، ۱۳۹۳
۶. خمینی، روح الله، صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۳، ۱۳۷۲
۷. رحمتی، محمد، رقابت جناح های رقیب در انتخابات از دیدگاه قرآن، کیهان، ۱۳۸۸
۸. سجادی، عبدالقیوم مبانی، تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، بوستان کتاب، ۱۳۸۲
۹. صفایی حائری، مشکلات حکومت دینی، لیلہ القدر، ۱۳۹۲
۱۰. غروی، سیدمحمد، مفهوم و جایگاه انتخاب و انتخابات در آموزه های دینی و قرآنی، خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)
۱۱. لک زایی، نجف و نصرالله نظری، قرآن و آزادی سیاسی، مجله قرآن و علم، شماره ۱۱
۱۲. معرفت، محمد هادی، نظریه قدرت برگرفته از قرآن و سنت، بوستان کتاب، ۱۳۸۸
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴
۱۴. منتظری، بهرام، درآمدی بر اصول سیاست و حکومت در اسلام، انتشارات نقش نگین، اصفهان ۱۳۸۸